

ارگانها، سرکردگان و اماکن

در ادامه گزارش تفصیلی، به معرفی ارگانها، سرکردگان و مأموران دست اندرکار وزارت اطلاعات و هم چنین اماکن مورد استفاده برای انتخاب، استخدام، آموزش و ادارهٔ مزدوران نفوذی مبادرت می شود و اسامی و نشانیهای بیش از ۱۵۰ تن از سرکردگان و مأموران «ویژهٔ نفوذ» در وزارت اطلاعات در تهران و شهرستانها و هم چنین آدرس و مشخصات بیش از ۶۰ پایگاه مخفی، هتل و دیگر اماکن مورد استفادهٔ وزارت اطلاعات برای توجیه و آموزش مزدوران نفوذی، توسط مزدوران فاش شده است.

خاطر نشان می شود که از انتشار همهٔ اسامی و اطلاعات، به دلایل امنیتی و اطلاعاتی، صرف نظر گردیده است.

کلیشهٔ برخی از دستخطهای مزدوران ضمیمهٔ گزارش است.

شهیدان مجاهد خلق

خواهر مجاهد مهناز بزازی اعلام کرد: جنگ اطلاعاتی و ضداطلاعاتی ما با دشمن تا روز سرنگونی رژیم و پیروزی مقاومت عادلانهٔ مردم ایران ادامه دارد و تشدید هم می شود، پیروزی مجاهدین و ارتش آزادیبخش، در جنگ بزرگی که تاکنون جریان داشته، رایگان به دست نیامده است.

در جریان توطئه های وزارت اطلاعات از سال ۷۲ تاکنون، مجاهدان پاکباز عبدالرضا شطی احمدیان (حبیب شطی)، بهروز مجدآبادی، علی نوری، لقمان حاج خانیان، عبدالله توحیدی فر، پرویز احمدی، فرهاد طهماسبی، جمال آهنی، محمود قلی زاده، هادی همایون، اکبر باقری قاضیانی، فیلیپ یوسفیه، رامین گلاب قدکساز، احمد پهلوان شاندیز، مهدی بابایی، عیسی حیدری و عبدالله نوید حسنلویی، جان باختند و شماری دیگر در داخل ایران به چنگ دژخیمان افتادند.

وی اضافه کرد مقاومت ایران مراجع بین المللی و سازمانهای طرفدار حقوق بشر را در جریان جنایتها و توطئه های تروریستی قرار داده است.

یک فراخوان ملی و میهنی

خواهر مجاهد مهناز بزازی در خاتمهٔ سخنان خود از همهٔ هموطنان و هواداران

مجاهدین و مقاومت ایران خواست تا به عنوان یک وظیفه ملی و میهنی هرگونه اطلاعات پیرامون فعالیتهای وزارت اطلاعات در زمینه تروریسم و به طور خاص نفوذ در ارتش آزادیبخش و شبکه های هوادار مجاهدین در داخل کشور را، از هر طریق که می توانند، در اسرع وقت به سازمان مجاهدین برسانند.

در همین گزارش، اسامی مزدوران نفوذی را، با چکیده تحقیقات و گزیده بی از گزارشها و اسناد مربوطه، ملاحظه می کنید.

اسامی مزدوران نفوذی

۱- فریبرز دریک بند، متولد ۱۳۵۲، اهل تهران، در اواخر آذر ۷۶ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش وارد عراق شد. او از جانب وزارت اطلاعات مأموریت داشت تا در فرصت مناسب دست به ترور فرماندهان ارتش آزادیبخش بزند. هم چنین مأموریت داشت تا از طریق بیسیم، زمان و مکان حضور رهبری در قرارگاهها را با کدهای ویژه، به اطلاع وزارت اطلاعات برساند و در صورت رفتن به داخل با کشتن نفرات واحد، به نزد رژیم برود.

دریک بند از سال ۷۳ توسط یک مأمور اداره اطلاعات قزوین به نام شایان که در حراست «اداره میراث فرهنگی»، کار می کرد، به همکاری با وزارت اطلاعات پرداخت. در تابستان ۷۶ مأموریت نفوذ در ارتش آزادیبخش، توسط علی جانی از مسئولان اداره اطلاعات قزوین با او مطرح شد. سپس برای آموزش به تهران رفت و در یکی از خانه های امن وزارت اطلاعات در خیابان پاسداران، آموزش و توجیهات او انجام شد. پس از پایان آموزشها، در آذر ۷۶ از مرز عین خوش در منطقه فکه، توسط اکیپ وزارت اطلاعات از مرز عبور داده شد.

۲- عبدالرضا پاك نیا، متولد ۱۳۴۲، اهل لاهیجان، در شهریور ۷۶ به قصد نفوذ در ارتش آزادیبخش وارد عراق شد. تا سال ۷۵ چندبار به خاطر ارتکاب جرائم عادی به زندان افتاده بود و سرانجام در زندان به خدمت وزارت اطلاعات درآمد. وزارت اطلاعات، با ترتیب دادن یک فرار ساختگی، وی را از زندان خارج کرد و پس از استخدام رسمی، در لاهیجان و رشت تحت آموزش قرار داد. آموزش این مزدور در تهران تحت نظر علی

صفایی و با استفاده از نوشته های محمدرضا عدالتیان، فریدون گیلانی، مهدی خوشحال، شمس حائری و طاهره باقرزاده تکمیل شد. حاج ناصر، در آخرین روز آموزش پاك نیا در تهران، پیرامون خط وزارت اطلاعات در مورد «روشهای مستقیم و غیرمستقیم» جذب و سازماندهی بریده مزدوران در خارج کشور او را توجیه کرده و می گوید:

«منظور از روش مستقیم یعنی این که عضو بریده، برای وزارت اطلاعات مستقیماً اجیر شود و اطلاعات و اخبار را به صورت متوالی در اختیار قرار دهد. در این مقطع عضوی مورد نظر است که مرتکب قتل نشده است و امکان بازگشت به ایران و امید به زنده ماندن و اعدام نشدن در او هست ... راه کارهای این سیکل از کار، طی نشست در وزارت امور خارجه یا سفارت ایران در اروپا به صورت کامل به تو توجیه می شود ...»

او هم چنین در مورد روشهای غیرمستقیم کار با بریده مزدوران می گوید:

«این روش که غیرمستقیم نام برده شد، عضو جدا شده بدون آن که بداند منبع رژیم گشته، اخبار و اطلاعات را در قالب افشاگری مناسبات سازمان و رهبری ارائه می دهد، اما شخصیتی کاملاً متضاد شخصیت روش مستقیم دارد، یعنی این که هنوز در موضع ضدیت با رژیم است و در فکر سرنگونی رژیم به شیوه دیگری است و به سازمان مجاهدین و آرمان آن عشق می ورزد و ایمان و اعتقاد دارد، منتها رهبر سازمان و استراتژی آن را غلط می پندارد و ایمانش را به رهبری به کلی از دست داده است و یک خلأ عمیقی در ایمان او به وجود آمده است ...»

قبل از اعزام پاك نیا به مأموریت، برای تأمین مالی خانواده او مقرری به مبلغ ۵۰ هزار تومان معین گردید و در مرداد ۷۵ همراه با سه تن از مأموران اطلاعات گیلان به تهران آمد و سپس از مرز ایلام به عراق فرستاده شد.

۳- **امید بختیارپور**، متولد ۱۳۵۲، اهل اهواز، در مرداد ۷۶ توسط وزارت اطلاعات برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به عراق فرستاده شد. وی در خرداد ۷۴ به وسیله یکی از مأموران اداره اطلاعات اهواز به نام حاج رضا نبوی به استخدام وزارت اطلاعات درآمد. ابتدا قرار بود برای یک مأموریت نفوذی علیه مجاهدین به هلند فرستاده شود. اما در

خرداد ۷۵ مأموریتش تغییر کرد و پس از طی یک دوره آموزشی، برای نفوذ در ارتش آزادیبخش از مرز مریوان وارد عراق گردید.

۴- **محمود امیرلطیفی**، متولد ۱۳۴۲، اهل گرگان، در خرداد ۷۶ از منطقه مرزی شورشیرین عبور نموده و به ارتش آزادیبخش پیوست. در سال ۶۴ به خاطر تماس با هواداران مجاهدین، دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شده بود. از داخل زندان به همکاری با افراد اطلاعات پرداخت. قرار بود در سال ۷۴ برای نفوذ در مناسبات پیرامون دفتر رئیس جمهور برگزیده مقاومت به خارجه فرستاده شود. اما پس از دوران راهگشایی و عزیمت رئیس جمهور برگزیده مقاومت به کنار مرزهای میهن، مأموریت او تغییر یافت و برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به عراق آمد. ابلاغ مأموریت و توجیه امیرلطیفی در تهران در هتل استقلال، زیر نظر رسول قاسمی و «نادر» از مسئولان اعزام نفوذی صورت گرفت و سپس برای عبور از مرز به ایلام فرستاده شد. در ۸ مرداد ۷۶ یک اکیپ ۸ نفره اطلاعات به فرماندهی حاج علی باقری (مسئول عملیات اطلاعات در ایلام) او را از مرز عبور داد. حقوق امیرلطیفی ماهانه ۲۵۰ هزار تومان و مقرری برای تأمین مالی خانواده اش هم ۲۰۰ هزار تومان در ماه تعیین شده بود. در آموزشهای نظری این مزدور از کتاب «نفوذ» نوشته محمدرضا عدالتیان و کتابهای فریدون گیلانی، علی فراستی، سعید شاهسوندی و شمس حائری استفاده می شد.

۵- **اقبال اسدی**، متولد ۱۳۵۴، اهل کامیاران، در تاریخ ۲۲ خرداد ۷۶ به وسیله وزارت اطلاعات از مرز کردستان وارد عراق گردید. وی توسط بابایی، در اداره اطلاعات کامیاران، به استخدام وزارت اطلاعات در آمد و از فروردین ۷۶ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به طور فشرده تحت آموزش قرار گرفت. پس از پایان آموزشها و توجیه نهایی، توسط اداره اطلاعات کامیاران به سلیمانیه عراق اعزام و در هتل مولوی ساکن شد. سپس شعبه اطلاعات رژیم در سلیمانیه با کارت هویت جعلی، وی را به بغداد رساند.

۶- **فرهاد بشعره**، متولد ۱۳۴۴، اهل قصر شیرین، در تیر ۷۶ به قصد نفوذ در ارتش آزادیبخش وارد عراق شد. از سال ۷۴ به استخدام وزارت اطلاعات در کرمانشاه درآمد.

از فروردین ۷۵ در ارتباط با سرکردگان اداره اطلاعات کرمانشاه قرار گرفت و سریعاً در فروردین ۷۶ کاندیدای نفوذ در ارتش آزادیبخش شد. مأموریت او ایجاد یک شبکه نفوذی برای آوردن عوامل وزارت اطلاعات به ارتش آزادیبخش بود.

۷- **صادق جباری**، متولد ۱۳۵۰، فرمانده بسیج اهل خوی، با مأموریت ترور فرماندهان ارتش آزادیبخش در تیرماه ۷۶ به عراق آمد. مأموریت اصلی او ترور فرماندهان و رساندن اطلاعات عملیات ارتش به رژیم بود. او از سال ۶۵ وارد بسیج شد و در تهاجمات موسوم به کربلای ۴ و ۸ شرکت کرد. دو سال قبل از اعزام، توسط «حاج کمال» از مسئولان اداره اطلاعات خوی به استخدام وزارت اطلاعات درآمد. اردیبهشت ۷۶ برای آموزش به تهران رفت و پس از تکمیل آموزشها تحت نظر علی صفایی، به خوی بازگشت. او در تیرماه ۷۶ به قصد نفوذ در ارتش آزادیبخش، از ایران خارج شده و به عراق آمد.

۸- **محمدباقر مؤمن زاده**، متولد ۱۳۴۴ در شیراز، در خرداد ۷۶ با مأموریت جمع آوری اطلاعات نظامی و حفاظتی و به ویژه اطلاعات قسمت کامپیوتر، از مرز ایلام با کد «مهرداد- ۱۳۷۳» وارد عراق گردید. او در سال ۶۲ به جرم هواداری از سازمان دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. از همان اوایل با دشمن در زندان همکاری کرد و در سال ۶۷ آزاد شد و در پستهای بازرسی به خدمت دشمن درآمد. در سال ۷۰ توسط وزارت اطلاعات وارد دانشگاه آزاد بوشهر شد. در اسفند ۷۵ در هتل استقلال تهران به منظور نفوذ در ارتش آزادیبخش، با فوق العاده ماهیانه ۱۰۰ هزار تومان (علاوه بر حقوق جاری)، توسط علی صفائی (مشهور به علی شل)، مسئول آموزش و اعزام نفوذی در وزارت اطلاعات، توجیه گردید.

۹- **جلال الدین اسکندری**، متولد ۱۳۴۹، اهل تهران، در فروردین ۷۶ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش توسط وزارت اطلاعات از مرز ایلام وارد عراق شد. وی در خرداد ۶۷ پس از گرفتن دیپلم وارد سپاه دهم ضدنی اکریم (مستقر در سیستان و بلوچستان) شد و در یکان حفاظت فرودگاه زاهدان مشغول به کار گردید و متعاقباً معاون مدیرکل نهضت سوادآموزی استان سیستان و بلوچستان شد. او مدتی بعد توسط اداره اطلاعات بندر انزلی به استخدام وزارت اطلاعات درآمد. سپس برای ارزیابی و آموزش به تهران اعزام شد و در

گراندهتل توسط علی صفایی توجیه گردید. مدتی هم در رشت آموزش دید و مجدداً به تهران آمد و در هتل لاله تحت آموزشهای تکمیلی قرار گرفت. به هنگام اعزام به عراق قرار شد ماهانه ۱۵۰ هزار تومان به حساب اسکندری ریخته شود و در بازگشت یک ماشین دریافت کند.

۱۰- **مجید میرزایی عراقی**، متولد ۱۳۵۴، اهل تهران، در اسفند ۷۵ توسط وزارت اطلاعات از مرز قصر شیرین به عراق فرستاده شد. از دوران تحصیل با بسیج همکاری می کرد. در سال ۶۸ عضو رسمی بسیج شد و تا سال ۷۱ که تحصیل می کرد، در سرکوب دانش آموزان شرکت داشت. شهریور ۷۵ به استخدام وزارت اطلاعات درآمد و در دیماه کاندیدای نفوذ در ارتش آزادیبخش گردید. حدود ۱۵۰ هزار تومان حقوق ماهانه و ۵ میلیون تومان هم دریافت نقدی برای او مقرر کردند. آموزشهای وی در هتل انقلاب تهران زیر نظر علی صفایی صورت گرفت.

۱۱- **محمد مهدی کردی**، متولد ۱۳۴۱، اهل بندرگز، در اسفند ۷۵ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به عراق آمد. وی که در سالهای ۵۹-۶۰ هوادار سازمان بود، در سال ۶۰ خود را به سپاه بندرگز معرفی کرد و پس از ابراز ندامت آزاد شد. در سال ۷۱ به استخدام وزارت اطلاعات درآمد و به همکاری با اداره اطلاعات کردکوی برای جاسوسی و به دام انداختن هواداران سازمان در کردکوی و بندرگز پرداخت. متعاقباً در سال ۷۵ پس از نوشتن تعهدنامه، در اداره اطلاعات کردکوی، مأموریت نفوذ در ارتش آزادیبخش به او ابلاغ گردید. دوره کامل آموزش نفوذگیری را زیر نظر یکی از مدیران وزارت اطلاعات به نام «حاج ناصر»، در تهران گذارند. وزارت اطلاعات برای محمد مهدی کردی ماهانه ۲۰۰ هزار تومان مقرری معین کرد. وی در اسفند ۷۵ به کمک اکپ وزارت اطلاعات از مرز قصر شیرین به عراق فرستاده شد.

۱۲- **سید مراد رضوی طوسی**، متولد ۱۳۵۳، اهل لاهیجان، در اسفند ۷۵ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش، از مسیر شور شیرین در منطقه ایلام، به عراق آمد. در سال ۷۵، او در جریان پیوستن به ارتش آزادیبخش در ایلام دستگیر و در اثر شکنجه، به همکاری با وزارت اطلاعات کشیده شد. پس از آزادی از زندان، به قزوین رفت و در رابطه با باقر

مسعودی، از مسئولان اداره اطلاعات قزوین قرار گرفت. در قزوین، زیر نظر مسعودی آموزشهای اولیه را دید. سپس همراه مسعودی به تهران رفت و در هتل تهران بزرگ (گراندهتل) تحت نظر علی صفایی، آموزش کامل دید. آموزش چهره نگاری، توصیف و تشخیص، شیوه های مخفی جمع آوری اطلاعات و هم چنین تثبیت و انطباق در مناسبات، به کمک کتابهای عدالتیان، طاهره باقرزاده و شمس حائری به او داده شد. در بهمن ماه ۷۵ بعد از پایان آموزشها، به ایلام رفت و در یک خانه امن اداره اطلاعات ایلام، قبل از اعزام، از او نوار ویدئویی تهیه می کنند. او نهایتاً در تاریخ ۲ اسفند ۷۵ به کمک یک اکیپ از اداره اطلاعات ایلام از وادی شور شیرین وارد عراق شد.

۱۳- **شهرام شهیدی**، متولد ۱۳۴۲، اهل اصفهان، در اسفند ۷۵ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به عراق آمد. وزارت اطلاعات ابتدا قصد داشت که وی را برای نفوذ در مناسبات پیرامون دفاتر رئیس جمهور برگزیده مقاومت به کشورهای اروپایی اعزام کند، اما بعد از مرحله راهگشایی، مأموریتش تغییر کرد و از جمله برای شناسایی محل اصابت توپهای ۳۲۰ میلیمتری در اطراف دفتر مرکزی مجاهدین به عراق اعزام گردید. در سال ۷۵ در اداره صنایع دفاع مشغول به کار بود و از طریق یوسفی (مسئول حراست اداره صنایع دفاع) به خدمت وزارت اطلاعات در آمد. برای آموزش نفوذگری به تهران اعزام گردید و در گراندهتل توسط علی صفایی آموزش دید. وزارت اطلاعات برای خانواده وی ۱۸۰ هزار تومان مقرری ماهانه تعیین کرده است. اکیپ وزارت اطلاعات در اسفند ۷۵ شهرام شهیدی را تا مرز ایلام رساند (علت دیدار و توجیه و آموزش مزدوران در هتلها، صرف نظر از تأثیرات روانی مورد نظر، پرهیز از رؤیت و شناخته شدن آنها توسط سایر مزدوران اطلاعات است).

۱۴- **ملک محمد منجی**، متولد ۱۳۴۶، اهل میانکوه آغا جاری، در اسفند ۷۵ برای نفوذ در ارتش آزادیبخش وارد عراق شد. وی در سال ۶۱ به عنوان بسیجی در جبهه های جنگ ایران و عراق اسیر شد و در مرداد ۶۹ به ایران بازگشت. متعاقباً پس از دستگیری توسط وزارت اطلاعات، در امیدیه (محل زندگی خانواده اش) به همکاری با وزارت اطلاعات پرداخت. نشستها و قرارهایش در محل سپاه امیدیه و اداره اطلاعات این شهر با مرتضی مصطفوی برگزار می شد. در اردیبهشت سال ۷۵ کاندیدای نفوذ در ارتش

آزادبخش گردید و یک میلیون تومان پول نقد دریافت کرد. اما برای عادی جلوه دادن وضعیتش به او گفته شده بود که از برخی از افراد پول قرض بگیرد. وی آموزشهای نفوذگیری را زیر نظر مرتضی مصطفوی و نورالله کرمی و هم‌چنین یکی از مأموران وزارت اطلاعات به نام «حاجی» که از تهران به امیدیه رفته بود، گذراند.

۱۵- محمدجواد مشهوری، متولد ۱۳۴۶، اهل همدان، در اسفند ۷۵ برای نفوذ در ارتش آزادبخش به عراق آمد. وی در سال ۷۳، به اتهام حفاری غیرمجاز و خرید و فروش اشیای عتیقه، توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد و به همکاری با این وزارتخانه تن داد. در سال ۷۴ به استخدام وزارت اطلاعات درآمد و برای آموزش از همدان به تهران فرستاده شد. وی در تهران در یکی از خانه‌های امن وزارت اطلاعات در منطقه پونک با علی صفایی و محمدرضا عدالتیان دیدار کرد. سپس به هتل فرصت تهران منتقل شد و در آنجا آموزشهای ویژه نفوذگیری را تحت سرپرستی علی صفایی گذراند. اکیپ وزارت اطلاعات وی را تا مرز ایلام همراهی کرد.

مشهوری در مورد توطئه وزارت اطلاعات در مورد قتل کشیشان مسیحی و نسبت دادن آن به مجاهدین، به صحنه‌سازی مربوط به بتول و افری اشاره کرده و می‌گوید: «زمانی که در سال ۷۴ در زندان اوین به سر می‌بردم یک نفر به نام علی شیخ زاده را به سالن ۲ عمومی اوین آورده بودند. او می‌گفت در ارتباط با بتول و افری بود و از سازمان کسانی آمدند و دو میلیون تومان و یک بمب را در نزدش گذاشتند که او در جریان بتول و افری لورفت و ۱۸ سال حبس گرفت. سالن ۲ اوین معروف به سالن بین‌المللی بود و همه خبرها از آنجا به بیرون درز پیدا می‌کرد و همه هم حرفهای علی شیخ زاده را باور کرده بودند، درحالی که من او را کاملاً نمی‌شناختم، از نفرت دادگاه انقلاب همدان بود و به او اصطلاحاً «علی تمیزه» می‌گفتند، چون خیلی آدم و سواسی بود. بعد از مدتی گفتند که به سالن ۶ یعنی محل موادمخدرها انتقالش دادند، ناپدید شد که معلوم شد اینها ساختگی بوده است».

۱۶- مجتبی یزدانی دلشاد، متولد ۱۳۵۵، اهل اسدآباد همدان، در بهمن ۷۵ پس از عبور از منطقه مرزی قصرشیرین وارد عراق گردید. در خرداد ۷۵ به هنگام عبور غیرقانونی از مرز بازرگان دستگیر شده بود. در زندان ماکو این فرد را که هیچ سابقه سیاسی نداشت، تحت فشار گذاشتند تا با وزارت اطلاعات علیه مجاهدین همکاری کند، سپس در اداره

اطلاعات همدان طرح نفوذ او ریخته شد. برای عادی جلوه دادن پیوستگی به ارتش آزادیبخش ابتدا او را به خدمت سربازی فرستادند تا چندی بعد بتواند در یک فرار ساختگی، خود را سرباز فراری معرفی کند. در آبان ۷۵ به پادگان موسوم به «الله اکبر» در اسلام آباد منتقل شد و در اواخر بهمن ۷۵ برای پیوستن به ارتش آزادیبخش به خط مقدم در قصر شیرین اعزام شد. پس از بازگشت به داخل ایران در آبان ۷۶، زمان و مکان قرار خود با یکی از واحدهای مجاهدین را در اختیار اطلاعات اسدآباد قرار داد. متعاقباً در کمین گسترده‌یی که از طرف وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و سپاه گذاشته شد، یک درگیری گسترده و سنگین بین مجاهدین و مزدوران رژیم روی داد که در آن ۸ مجاهد خلق به شهادت رسیدند.

۱۷- **جعفر فرج پوراندیلی**، متولد ۱۳۵۰، اهل تبریز، در بهمن ۷۵ از مرز کردستان برای نفوذ در ارتش آزادیبخش به عراق آمد. وی قبلاً هم برای پیوستن به ارتش آزادیبخش اقدام کرده بود، اما پس از عبور از مرز قصر شیرین، توسط یه کتی دستگیر و تحویل وزارت اطلاعات گردید و سپس به همکاری با آن پرداخت. در مأموریت فرج پور، روی جمع آوری اطلاعات عملیات و شناسایی فرماندهان و قرارگاهها و اماکن حساس ارتش آزادیبخش تأکید شده بود.

۱۸- **اصغر حسن**، متولد ۱۳۴۷، اهل شهرری، تروریست وزارت اطلاعات با ۹ سال سابقه، حقوق ماهیانه معادل ۲۵۰ هزار تومان. وی اعتراف کرده است که در اوایل سال ۷۴ برای ترور برادر مجاهد محمد محدثین در آلمان همراه یک تیم ترور اعزام شده بود. هم چنین در جریان ترور خواهر مجاهد زهرا رجبی در استانبول جزء تیم ترور بود. در سرکوب و کشتار تظاهرکنندگان اسلام شهر در بهار ۷۴ شرکت داشت. در اواخر پاییز ۷۵ قبل از اعزام به مأموریت نفوذ در ارتش آزادیبخش، همراه با تعدادی از مجروحین جنگی به دیدار خامنه‌ای می‌رود و خامنه‌ای به او می‌گوید «مأموریتی که انجام می‌دهی، جهاد در راه اسلام است». در دیماه ۷۵ از طریق مرز ایلام وارد عراق می‌شود.

۱۹- **آرمین رجبی**، متولد ۱۳۵۶، اهل زنجان، در دیماه ۷۵ برای مأموریت نفوذ و جاسوسی در ارتش آزادیبخش، توسط وزارت اطلاعات از مرز قصر شیرین عبور داده